



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 2, Issue 5, 2023

A Comparative Analysis of Inconclusive Cause in Iranian and French Law with an Emphasis on Providing Legislative and Judicial Solutions

Abolfazl Valikhani¹, Alireza Mazloun Rahni ^{*2}

1. Ph.D Student, Department of Law, Faculty of Humanity, Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 29-42

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0008-3367-274X

TELL: +98 2146896000

Email: a.mazloom@godsiau.ac.ir

Article history:

Received: 31 Oct 2022

Revised: 02 Jan 2023

Accepted: 21 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Civil Liability, Inconclusive Cause, Damages, Fault, Causal Relationship.

ABSTRACT

Inconclusive cause is regarded as a topic with relevance in both civil and criminal law, with its application in areas where the perpetrator of the damage is unknown. Findings of this study, which have been conducted through the practical-analytical method of research, show that 4 views related to distribution of responsibility exist; First, neither is responsible since fault of no-one can be proven. Second, they have shares responsibility. Another view places the responsibility on the State, and the damages are payable via insurance funds or public funds (Bait-al-Maal). Based on the findings of another view, emphasises on balloting (lot), which was also accepted in the previous Islamic Penal Code of Iran. In French law, if the plaintiff has filed lawsuit against a group under the principle of error, the jurisprudence does not base the liability of each member of group, but takes into account their collective error. In Iranian Civil Liability Code, partaking in a group, a member of which has conducted an error result in shared responsibility for all members of that group.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Valikhani, A & Mazloun Rahni, A (2023). "A Comparative Analysis of Inconclusive Cause in Iranian and French Law with an Emphasis on Providing Legislative and Judicial Solutions". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 29-42.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

مطالعه تطبیقی سبب مجمل در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر ارائه راه‌حل تقنینی و قضایی

ابوالفضل ولیخانی^۱، علیرضا مظلوم رهنی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

سبب مجمل از جمله مباحثی است که هم در حوزه کیفری و هم در موارد حقوقی مطرح می‌گردد و در جایی موضوعیت دارد که فاعل زیان مشخص نباشد. یافته‌های این تحقیق که بر شیوه تحلیلی - کاربردی قوام یافته حکایت از آن دارد که در باب نحوه توزیع مسؤولیت در سبب مجمل چهار دیدگاه مورد توجه قرار می‌گیرد. حسب دیدگاه اول هیچ کدام مسؤول نیستند زیرا نمی‌توان تقصیر شخص معینی را ثابت نمود. طبق دیدگاه دوم اعضاء گروه به‌صورت تضامنی مسؤول هستند، یک دیدگاه نیز مسؤولیت را برعهده دولت می‌گذارد و جبران اینگونه خسارات را از طریق صندوق‌های جبران خسارت یا بیت‌المال می‌داند. دیدگاه دیگر تأکیدش بر قرعه‌کشی است که در قانون مجازات سابق پذیرفته شده بود. در حقوق فرانسه اگر خواهان بر مبنای نظریه خطا علیه گروه طرح دعوا کرده باشد، رویه قضایی نه خطای هریک از اعضاء گروه، بلکه خطای جمعی آنان را مبنای مسؤولیت قرار می‌دهد. در قانون مسؤولیت مدنی ایران نیز، شرکت داشتن در گروهی که خطا توسط یکی از افراد رخ داده در حکم ارتکاب تقصیر مشترک دانسته شده است و تمام اعضاء گروه را مسؤول می‌شمرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۹-۴۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اراکید: ۲۷۴۴-۳۳۶۷-۰۰۰۸-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۲۱۴۶۸۹۶۰۰۰

ایمیل: a.mazloom@qodsiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مسؤولیت مدنی، سبب مجمل، خسارت،

تقصیر، رابطه سببیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

هدف اصلی و نهایی مسؤولیت مدنی این است که خسارت وارده آمده به زیان دیده بدون جبران باقی نماند و به گونه‌ای عادلانه جبران شود. شناسایی مسؤول یا مسؤولان عامل ضرر و زیان حوادث، از میان گروهی از اشخاص معین، نامشخص و نامعلوم، همواره از گذشته در فقه اسلامی و نیز در حقوق بعضی از کشورهای توسعه یافته مانند فرانسه مطرح بوده است. علی‌رغم وجود منابع غنی در فقه اسلامی در این خصوص، در مبحث قانونگذاری مدنی در ایران، عدم وجود عنوان مستقلی که بیان کننده مسؤولیت مدنی در سبب مجمل یا اسباب مجمل باشد، دست‌اندرکاران موضوعات حقوقی را بعضاً با چالش مواجه می‌نماید. از جمله اینکه با توجه به رشد روزافزون صنعت و اقتصاد در مواردیکه عامل ورود زیان مجمل و ناشناس باشد در صورت حدوث اختلاف چگونگی باید در باب نحوه توزیع مسؤولیت رفتار نمود.

قانونگذار، قضات و حقوقدانان، همگی تلاش کرده‌اند راهی برای آشتی دادن رابطه سببیت با ضرورت حمایت از زیان‌دیده بیابند. تحولات اجتماعی-اقتصادی دهه‌های اخیر به‌ویژه تشکیل جامعه اصطلاحاً مصرفی، سبب شده است که این مقوله اهمیتی دوچندان پیدا کند. بررسی اجمالی نظریه‌های مطرح شده در برخی کشورها بیانگر این موضوع است که اکثر قریب به اتفاق آنها، خواه با تشبیت به نظریه تقصیر، خواه با استناد به نظریه خطرو یا با توسل به نظریه تضمین حق، سعی کرده‌اند که هرچه بیشتر امکان جبران خسارت را برای زیان‌دیده سبب مجمل و ناشناس فراهم آورند و موانع درون حقوقی و موانع برون حقوقی مورد توجه قرار دهند که مقاله حاضر با مطالعه تطبیقی سبب مجمل در حقوق ایران و فرانسه آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. باید یادآوری نمود که در خصوص موضوع سبب مجمل در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی-ژرمنی مقالات مفصلی وجود دارد و در داخل کشور نیز چه در قانون مجازات اسلامی سابق و چه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به طرق مختلف بدان پرداخته شده است. این موضوع در فقه نیز سابقه‌ای دیرینه دارد و از مباحث مهمی است که فقهای متأخر و متقدم بدان اشاره نموده‌اند.

بر این اساس گسترش تئوری‌پردازی‌های مربوط به مسؤولیت سبب مجمل بیشتر مرهون رویه‌های قضایی و آمیخته شدن نظریات ارائه شده با مسائل عملی بوده لذا شیوه‌های جبران خسارت هم ضمن متأثر گردیدن از مبانی کلی حقوق، تا حد زیادی به شرایط خاص هر پرونده وابسته است و در نتیجه شیوه‌های قابل اعمال در مسأله سبب مجمل با مبانی پذیرفته شده در مسؤولیت مدنی و شرایط خاص هر پرونده ارتباط تنگاتنگ دارد.

لذا این مقاله در صدد رفع معضلات پیش روی حقوقدانان، به خصوص قضات و وکلای دادگستری، در مواجهه با موضوعات عملی مرتبط با مسؤولیت مدنی سبب مجمل بوده و با فرض دانستن امکان تسری مباحث مطرح شده در قانون مجازات اسلامی (موارد مربوط به منازعه و قتل) به موضوعات مسؤولیت مدنی، با ارائه پیشنهاد و متعاقب آن تصویب یک ماده قانونی، تلاش نموده است تا مشکل جامعه حقوقی را تا حدی برطرف نماید.

نوآوری این تحقیق آن جهت است که از میان راهکارهای موجود، راهکاری را پیشنهاد می‌کند که با فقه و همچنین قوانین موضوعه ایران همبستگی کامل داشته باشد. لذا در موارد علم اجمالی به ورود زیان در امور مدنی، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، باید اصل بر مسؤولیت همه اطراف علم اجمالی گذاشت و لذا خلاف آن باید در محکمه ثابت شود. و هرگاه همه اطراف علم اجمالی، ورود زیان و تقصیر را از جانب خود انکار نمایند، زیان وارده به زیان‌دیده را می‌توان از میان اطراف علم اجمالی، به نسبت مساوی دریافت کرد، که البته این تساوی مسوولیت عاملین زیان، با اندیشه حمایت از زیان‌دیده و عدالت توزیعی ضرر، تناسب بیشتری دارد. لازم به ذکر است که پرداخت خسارت را می‌توان از بیت‌المال یا صندوق خسارت بدنی نیز در نظر گرفت. بر این مبنا هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار اطراف علم اجمالی باشد، باید زیان‌دیده بتواند برای دریافت تمام خسارت به هریک از اطراف علم اجمالی مراجعه کند و در این میان با استناد به قاعده عدل و انصاف مسؤولیت آنان نیز به صورت تضامنی باشد. بر اساس آنچه مطرح گردید و در جهت تبیین موضوع

اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ می‌باشد که در ماده ۲۱ قانون مصوب ۱۳۹۵ پیش‌بینی شده است که چنانچه عامل ورود خسارت شناخته نشود خسارت مزبور از طریق صندوق تأمین خسارت‌های بدنی که به‌وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره می‌شود پرداخت خواهد شد.

ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۵، به نمونه‌ای از سبب مجمل پرداخته بود. این ماده مقرر می‌داشت: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هرکدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه، دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود». در قانون مجازات اسلامی جدید در مواد ۴۷۷ تا ۴۸۳ موضوع سبب مجمل در جنایات را می‌توان مشاهده نمود. با بررسی مواد فوق‌الذکر از قانون مجازات اسلامی و ملاحظه تغییرات عمده‌ای که در قانون جدید نسبت به قانون سابق رخ داده این نتیجه حاصل می‌شود که حل قضیه سبب مجمل با استفاده از قاعده قرعه نبوده و در اینجا نظریه دیگری موردپذیرش قرار گرفته است که هم عملاً مفید و بازدارنده بوده و هم درعین حال با برخی نظرهای

۱- ماده ۲۱: قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ به‌منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طورکلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به‌استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود.

تبصره ۱ - میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت‌های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است.

تبصره ۲ - تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون، بر عهده شورای عالی بیمه است.

تبصره ۳ - صندوق مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

مقاله حاضر، ذیلاً سه مبحث مورد توجه قرار گرفته است. در قسمت اول به سبب مجمل در قوانین ایران و حقوق رومی ژرمنی پرداخته شده است و در قسمت دوم رویه‌های قضایی هر دو حقوق به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته اند و در انتها نیز نحوه جبران خسارت سبب مجمل در قوانین ایران و حقوق فرانسه به‌صورت تطبیقی مطالعه گردیده است.

۱- سبب مجمل در قوانین

با تورق در مجموعه قوانین مدنی و جزایی ایران این مهم حاصل می‌شود که به غیر از قانون مجازات اسلامی که بصورت غیر مستقیم اشاراتی به موضوع سبب مجمل داشته، در هیچ قانون دیگری بدان صریحاً اشاره نگردیده است. همچنین در قوانین فرانسه، در گذشته و حال، در ارتباط با این موضوع رویه‌های مختلفی اعمال گردیده است که ذیلاً بدان اشاره می‌گردد.

۱-۱- بررسی قوانین مرتبط با سبب مجمل در نظام حقوقی ایران

در مورد مسؤولیت مدنی سبب مجمل در قانون مدنی، ماده‌ای که صراحتاً به این امر اشاره داشته باشد وجود ندارد، لیکن در بعضی موارد می‌توان به‌طور ضمنی راهکار و راه حل احتمالی مطرح شده در مورد سبب مجمل را از میان برخی مواد آن برداشت نمود. به‌عنوان مثال در ماده ۱۵۷ قانون مدنی ذکر شده است: «هرگاه دو زمین در دو طرف نهر مجاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تأخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زد...» (زراعت، ۱۳۸۹) این ماده صراحتاً به سبب مجمل اشاره ندارد و به‌قاعده قرعه اشاره می‌کند که البته بر اساس آن در هر امر مشکلی می‌توان به‌قاعده قرعه استناد کرد.

علاوه بر قانون مدنی در برخی قوانین خاص نیز موادی وجود دارد که می‌توان راه حل آن را با اغماض در مورد سبب مجمل نیز مورد استفاده قرار داد. یکی از این قوانین قانون مسؤولیت مدنی بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۷ و قانون بیمه

از جمله شهید ثانی در شرح لمعه چنین تشریح می‌نماید: «هرگاه یک نفر اقرار کند که مقتول را عمداً کشته است و دیگری اقرار کند اشتبهاً او را به قتل رسانده است، ولی دم در تصدیق هرکدام از آن دو اقرار که بخواهد و الزام مقرر به انجام آنچه که نتیجه جنایت او است اختیار دارد، زیرا هریک از این دو اقرار، سبب مستقلی برای تحقق نتیجه آن است و چون جمع بین آنها امکان ندارد، ولی دم مخیر است و نسبت به دیگری حقی ندارد.» (لطفی، ۱۳۸۵) این حکم در آنجا که یک نفر به قتل عمد اقرار کند و فرد دیگر به بی‌گناهی نفر اول و قاتل بودن خودش اقرار نماید نیز جاری است (لطفی، ۱۳۸۵). علاوه بر وجود مبانی فقهی فوق‌الذکر، بر اساس قاعده اقدام نیز حکم مواد ۴۸۳ و نیز تبصره ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی قابل توجیه است.

۲-۱- بررسی قوانین مرتبط با سبب مجمل در نظام حقوقی

فرانسه

در مورد مبانی حقوقی سبب مجمل در حقوق فرانسه باید گفت که رویه قضایی آن کشور به‌خصوص در هنگامی که اجمال اسباب مجمل از طریق قاتل شدن شخصیت حقوقی برای آن مرتفع می‌گردد، دو چهره جدید از مبانی مرسوم مسؤولیت مدنی را به کار می‌گیرد. بدین معنی که اگر خواهان بر مبنای خطا علیه گروه طرح دعوا کرده باشد، رویه قضایی نه خطای هریک از اعضاء گروه، بلکه خطای جمعی آنان را مبنای مسؤولیت قرار می‌دهد، و اگر خواهان بر مبنای مسؤولیت ناشی از فعل اشیاء (موضوع ماده ۱۳۸۲ ق.م. فرانسه و ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی ایران، در خصوص مسؤول جبران فعل زیان‌بار در شرایطی که ضرر و زیانی از عدم حفاظت آن شیء ناشی شده باشد)، علیه گروه اقامه دعوا کند، رویه قضایی بر مبنای حفاظت جمعی علیه گروه حکم می‌کند (Brun, 1993).

در بدو امر رویه قضایی فرانسه از رسیدگی به دعوایی که خواندگان آن مجمل بودند خودداری می‌کرد با این توجیه که اولاً لازمه مسؤولیت مدنی تعیین دقیق محل زیان است و خواهانی که در این تعیین عاجز بمانند، نباید مدعی مسؤولیت شود. ثانیاً حکم به مسؤولیت تضامنی اسباب مجمل

موجود در فقه امامیه، حقوق غرب و منطق حقوقی سازگارتر است. اما استدلالی که در زمینه ترجیح قول قرعه بر قول به تنصیف دیه آورده شده این است که اگرچه قول تنصیف دیه بدو مقرون به عدالت و انصاف می‌نماید، اما باید توجه داشت که در صورت أخذ نصف دیه از هریک از متهمین، عدم استحقاق یکی از آن دو در پرداخت نیمی از دیه تردیدناپذیر است، درحالی‌که در پرداخت تمام دیه از سوی یکی از آن دو نفر، یقین بر اجحاف و تعدی نسبت به پرداخت‌کننده وجود ندارد، زیرا محتمل است که واقعاً جنایت مستند به وی باشد. بنابراین ضرر یقینی با پذیرش خسارت احتمالی دفع می‌گردد (صادقی، ۱۳۸۴).

اما در رد این استدلال و تأیید نظریه تساوی نیز می‌توان به دلیل عقل استناد کرد بدین نحو که اگرچه در حالت قرعه، ورود خسارت بر غیرمقصر، احتمالی است و پذیرش خسارت احتمالی بر ضرر یقینی ترجیح دارد، لذا انتخاب راهکار قرعه اولی است. در میان اساتید حقوق نیز برخی معتقدند که در حقوق ایران اعمال قاعده قرعه بیشتر قابل پذیرش است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲)، اما برخی دیگر مسؤولیت جمعی و مسؤولیت ناشی از فعل غیر را راه‌حل موضوع سبب مجمل می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۲). گرچه از نظر نگارنده و با توجه مباحث مطرح شده قاعده تنصیف به عدالت نزدیک‌تر است.

همچنین در جهت حمایت از نظریه مسؤولیت متساوی می‌توان به قاعده فقهی عدل و انصاف استناد کرد که مستند به دلایل قرآنی و اخبار و روایات (محامد، ۱۳۸۵) و عرف و سیره عقلا است که نه تنها از جانب امامان (علیهم‌السلام) ردعی ندارد و عدم ردع، دلیل بر امضای این قاعده است، بلکه روایات بسیاری نیز وجود دارد که بر امضای قطعی آن دلالت دارد.

بر این اساس می‌توان گفت که قاعده قرعه در طول قاعده عدل و انصاف قرار داشته و بر تقدم قاعده عدل و انصاف بر قاعده قرعه، پاره‌ای اخبار و روایات صحه می‌گذارند (محامد، ۱۳۸۵).

می‌دانستند و برخی دیگر دعوای مطالبه خسارت را می‌پذیرفتند اما با توجه به عدم پیش‌بینی راهکاری در رابطه با موضوع فوق، هریک از قضات نظر خاصی را اعمال می‌نمود که موجب تشتت آراء و سردرگمی مردم می‌گردید (جعفری یزدیان، ۱۳۸۵).

این مطلب که نسبت به سبب مجمل نظرات متفاوتی ابراز شده از آنجا حادث گردیده که ممکن است هریک از متهمین یا منکر این استناد باشند یا هریک از آنان احتمال این استناد باشند و یا هریک از ایشان احتمال استناد به خود را تأیید نمایند، لذا صور مختلفی در اینجا مفروض می‌گردد. بر این اساس و بنابر نظریه امام خمینی (ره) در موارد ایراد ضرب و جنایت، می‌بینیم که ضارب و جانی با قید قرعه مشخص می‌شود اعم از اینکه معلوم شود ایراد جرح فقط از یک نفر بوده یا بیشتر از یک نفر و در صورت سوم (فقط یک نفر از متهمین امکان استناد را قبول داشته باشد) و صدمه وارده هم مسلماً از یک فرد بوده، در این صورت اگر منکرین کلاً سوگند یاد کنند تبرئه می‌شوند و قهراً آن یک نفر که احتمال استناد را قبول دارد ضارب و جانی شناخته می‌شود و هرگاه هیچ‌کدام از منکرین یا بعضی از آنها حاضر به قسم نباشد در این صورت بین فرد محتمل و آنان که حاضر به سوگند نیستند قرعه‌کشی می‌شود و با قرعه، جانی تعیین می‌گردد و در دیگر فروض مسأله نیز بدین طریق عمل خواهد شد. (جعفری یزدیان، ۱۳۸۵)

پس از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و متعاقب آن تصویب بخش تعزیرات در سال ۱۳۷۵ و پیش‌بینی انجام قرعه در آن قانون، رویه قضایی به سمت تعیین مسؤل خسارت توسط قرعه رفت، اما دادگاه‌هایی هم بودند که به دلیل ناعادلانه بودن راه‌حل اتخاذ شده در ماده ۳۱۵، آن را فقط در موارد مضیق و مصرح ماده فوق به کار می‌بردند و در موارد مشابه از راه‌حل‌های دیگر بهره می‌گرفتند مثلاً در مورد سؤالی مبنی بر اینکه با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مورد منازعه دسته‌جمعی تکلیف چیست؟ و آیا می‌توان دیه را از بیت‌المال پرداخت کرد و یا مسؤل پرداخت دیه را به قید قرعه تعیین نمود؟

در حالی که علم داریم که صرفاً یکی از خواندگان سبب خسارت بوده و نه بقیه آنها، خلاف انصاف و عدالت است و مسؤولیت مدنی را از هدف اصلی خود باز می‌دارد و به ابزار کیفر تبدیل می‌کند. اما با گذر زمان نگاه‌ها بر ضرورت جبران خسارت قربانی متمرکز شد و ترک قربانی و جانبداری از خواندگانی که در خطا کار بودندشان تردیدی نبود، به قباحت تبدیل گردید. بدین ترتیب وجود رویه قضایی و نیز نظریه برخی حقوقدانان موجب عبور از موضوع اجمال اسباب گردید و اعتقاد به شخصیت حقوقی گروه آن اسباب، به دو مبنای مرسوم مسؤولیت (تئوری خطا و مسؤولیت ناشی از حفاظت شیء) چهره‌ای درخور اسباب مجمل بخشید.

۲- سبب مجمل در رویه قضایی

در علم حقوق، رویه قضایی به دلیل وجود نقص و همچنین ناکافی بودن قوانین مربوطه، همواره واجد نقش مهم و جایگاه ویژه‌ای بوده و جزء منابع معتبر حقوق در ارجاع و استناد به منظور حل دعاوی مرتبط تلقی گردیده است، از این رو به نظر می‌رسد که موازی و همراه با قوانین و دکترین، می‌بایست رویه قضایی نیز مورد توجه قرار گیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که در حقوق ایران چیزی تحت عنوان رویه قضایی در خصوص سبب مجمل شکل نگرفته است و صرفاً چند رأی و یا نظریه مشورتی، آن هم با اغماض، رویه قضایی موجود را شکل داده است که ذیلاً به بررسی آن در حقوق ایران و فرانسه می‌پردازیم.

۱-۲- سبب مجمل در رویه قضایی ایران

با بررسی و مطالعه در نظام حقوقی ایران این معنا وضوح می‌یابد که رویه‌های قضایی و راهکارهای متفاوت و بعضاً متعارضی جهت جبران خسارت ناشی از سبب مجمل ارائه و استفاده گردیده است. در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ با توجه به عدم پیش‌بینی مسؤل پرداخت خسارت توسط اطراف علم اجمالی، چه در منازعه و چه در غیر منازعه و وجود خلأ در قوانین، مشکلات فراوانی از همان ابتدا در بسیاری از پرونده‌ها شکل گرفت به صورتی که برخی از دادگاه‌ها مطالبه خسارت وارده در موارد فوق را به دلیل عدم پیش‌بینی قانونگذار رد و آن را غیرقابل مطالبه

پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محاکم کیفری می‌بایست همگی بر اساس مبانی موجود در مواد ۴۷۷ تا ۴۸۰ اتخاذ تصمیم نمایند. به نظر می‌رسد محاکم حقوقی نیز باید به این مبنا (تا زمان تدوین قانون) تمسک جسته و بر این اساس انشا رأی نمایند.

۲-۲- سبب مجمل در رویه قضایی فرانسه

در حقوق فرانسه نظریه‌های متفاوتی در مورد سبب مجمل مطرح شده است که مهم‌ترین آنها نظریه عدم مسؤولیت، نظریه مسؤولیت تضامنی و نظریه مسؤولیت دولت است. بر این اساس در فرضی که چند نفر مرتکب تقصیر شده و بر اثر تقصیر یکی از آنان، زبانی به شخصی وارد شده باشد، بی‌آنکه بتوان واردکننده زیان را مشخص کرد، رویه قضایی پیشین فرانسه طی سالیان دراز و تا حدود نیمه قرن بیستم بر آن بود که هیچ‌یک از اشخاص مقصر را، به علت عدم اثبات رابطه سببیت از سوی خواننده، نمی‌توان محکوم نمود. این قاعده به‌ویژه در مورد شکار دسته‌جمعی و زیان وارد شده به شخص ثالث بر اثر تیراندازی یکی از شکارچیان و نیز زیان‌های ناشی از بازی‌های کودکان بدون معین بودن واردکننده زیان، در آرای متعدد منعکس شده بود و بیشتر علمای حقوق هم در گذشته با آن موافق بودند مثلاً لئون و هنری مازو استادان به نام فرانسوی، در مقاله‌ای که به سال ۱۹۵۰ در فصلنامه حقوق مدنی^۱ نوشتند، ضمن پذیرش نظریه فوق و نقد نظریه مسؤولیت تضامنی، اعلام نمودند که «تنبیه جمعی (مسؤولیت تضامنی) نوعی خودکامگی است و با سنت‌های فرانسوی سازگار نیست، قاعده ابتدایی عدالت مقتضی عدم مسؤولیت است» (صفایی، ۱۳۹۲).

این نظریه در اواسط قرن بیستم مورد انتقاد قرار گرفت و به‌ویژه ژرژ ریپر از مخالفان سرسخت راه‌حل مذکور بود و آن را برخلاف انصاف می‌دانست: «محروم کردن زیان‌دیده از جبران خسارت به بهانه این‌که نتوانسته است رابطه سببیت بین خسارت وارده و تقصیر شخص معینی را ثابت کند مغایر عدالت و انصاف است» (صفایی، ۱۳۹۲).

به‌موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵۳۰ مورخ ۷۱/۱۱/۱۳ «در مورد منازعه با توجه به عدم وضع مقررات مغایر با ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی عمل شرکت‌کنندگان مشمول ماده مذکور می‌باشد و طبق آن ماده مجازات و تعزیر می‌شوند و چون دیه برابر رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور از مصادیق ضرر و زیان و اخص از آن است، می‌توان آن را از شرکت‌کنندگان در منازعه مطالبه نمود و آنان بالسویه مسؤول پرداخت دیه می‌باشند. در این مورد تحمیل دیه بر بیت‌المال و یا اخذ از احد شرکت‌کنندگان به‌قیدقرعه نمی‌تواند مستندی داشته باشد.» (بازگیر، ۱۳۷۸)

و در نظریه‌ای دیگر، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۱۶۵۲ - ۷۰/۱۰/۷ بیان داشته است: چنانچه دخالت چند نفر در ایراد ضرب‌وجرح محرز ولی نوع ضرب‌وجرح از ناحیه هرکدام مشخصاً معلوم نباشد طبق مستفاد از مواد ۸ و ۱۰ قانون قصاص و ماده ۷۲ قانون دیات (به ترتیب برابر مواد ۲۱۲ و ۲۱۵ و ۳۶۵ ق.م.ا) حکم به پرداخت دیه به نحو تساوی صادر می‌گردد (شهری و جهرمی، ۱۳۷۳).

همچنین در سؤالی دیگر عنوان گردید در صورتی که در منازعه مرتکب جنایت و خسارت شخصاً معلوم نباشد چه کسی تاوان خون ریخته را باید بپردازد؟ اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی خود به شماره ۷/۲۵۵۳ مورخ ۷۵/۲/۱۸ اعلام می‌دارد: «چنانچه قتل یا ضرب‌وجرح درائتای منازعه رخ داده باشد و قاتل یا ضارب مشخص نباشد موضوع حسب مورد منطبق است با یکی از شقوق ماده ۶۱۵ ق.م.ا در صورتی که ضرب‌وجرح یا قتل محرز ولی نوع ضرب‌وجرح وارده از ناحیه هرکدام مشخصاً معلوم نباشد طبق مستفاد از ملاک مواد ۲۱۲، ۲۱۵ و ۲۶۵ ق.م.ا حکم به پرداخت دیه به نحو تساوی صادر می‌گردد.» (حسینجانی، ۱۳۸۲)

بالین‌حال، علیرغم اینکه نظریه «تساوی مسؤولیت» در مواد قانونی و رأی وحدت رویه مذکور، موردنظر قرار گرفته، به نظر می‌رسد این مواد را باید منحصر به مواردی دانست که تأثیر اسباب در خسارت مساوی است و یا میزان تأثیر هریک از اسباب قابل‌تعیین و تشخیص نیست، از دقت در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی جدید این امر استنباط می‌گردد (صفایی، ۱۳۹۲).

آن که در زبان‌های ناشی از اشیای تحت حفاظت شخص، طبق رویه قضایی فرانسه مسؤولیت بدون تقصیر و به تعبیری اماره مسؤولیت پذیرفته شده که این امر فقط در مورد ائتلاف (مستقیم) با حقوق ایران مطابقت دارد.

در هر صورت، رویه قضایی فرانسه چه با استناد به تقصیر جمعی و چه با استفاده از مفهوم محافظت جمعی امروزه مسؤولیت تضامنی اشخاص را که در تقصیر جمعی یا حفاظت جمعی مشارکت داشته و از ناحیه یکی از آنان خسارتی به شخص وارد شده باشد می‌پذیرند و در هر صورت نامشخص بودن عامل مستقیم خسارت را مانع جبران خسارت نمی‌دانند.

در رویه و نظام قضایی فرانسه عده‌ای از حقوق‌دانان برای توجیه مسؤولیت تضامنی در مبحث مورد بحث به «حفاظت جمعی» یا «تقصیر جمعی» استناد می‌کنند و برخی دیگر نیز آن را با اندیشه «شخصیت حقوقی بالفعل»^۴ توجیه می‌نمایند.

برخی از آرای کشور فرانسه مسؤولیت اسباب مجمل را ناشی از مسؤولیت گروهی اشخاص شرکت‌کننده در فعالیت زبان‌بار دانسته‌اند. مسؤولیت گروهی دقیقاً درجایی مورد بحث قرار می‌گیرد که دو یا چند نفر در بروز خسارتی دست داشته‌اند بدون آنکه بتوان تعیین کرد که کدام یک فاعل فعل زبان‌بار بوده است. برای توجیه مسؤولیت گروهی اشخاص فاعل ناشناس محاکم این کشور به دنبال شناسایی ویژگی‌های عمل زبان‌باری بودند که به‌طور مشترک واقع شده است. از این رو، برخی آراء به وجود تقصیر گروهی یا تقصیرهای مرتبط استناد کردند. منظور از تقصیر گروهی یا تقصیرهای مرتبط تقصیری است که به‌طور کاملاً طبیعی اجازه می‌دهد اعضای یک گروه عامل زبان را فاعلان مشترک بدانیم (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹).

نظریه دیگر برای حل مسأله یادشده آن است که در مواردی که عامل زبان معلوم نیست، دولت باید اقدام به جبران خسارت کند. این راه‌حل در برخی از قوانین به‌صراحت پذیرفته شده است، از جمله در فرانسه به‌موجب قانون مصوب

این انتقادهای، به تغییر رویه قضایی فرانسه انجامید و سرانجام مسؤولیت تضامنی کلیه کسانی که در فعالیت زبان‌بار مشارکت داشتند پذیرفته شد. نظریه مسؤولیت تضامنی کسانی که در یک فعالیت زبان‌بار مشارکت داشته‌اند و تقصیر یا فعل یکی از آنان سبب ورود ضرر شده، بدون اینکه واردکننده زبان شناخته شود، امروزه در رویه قضایی و دکترین فرانسه جاافتاده و پایدار شده است، به‌گونه‌ای که حتی مازوها در چاپ‌های اخیر کتاب خود آن را پذیرفته‌اند (صفایی، ۱۳۹۲). در بعضی از آرای فرانسوی به مفهوم «تقصیر جمعی»^۱ یا «تقصیر مشترک»^۲ و در برخی دیگر به «حفاظت جمعی»^۳ استناد شده است.

درباره تقصیر جمعی، آرای متعددی راجع به شکار دسته‌جمعی صادر شده که در آنها دیوان تمیز فرانسه به مسؤولیت تضامنی شکارچیان مقصر رأی داده است. در سال ۱۹۵۵ طفلی که به تعدادی شکارچی سپرده شده بود با تفنگ یکی از شکارچیان که هویت او مشخص نبود مجروح شد. دادگاه استیناف دعوی مسؤولیت مدنی از سوی زیان‌دیده را رد کرد، ولی دیوان تمیز رأی را به علت این که تقصیر مشترک شکارچیان در مراقبت جمعی در نظر گرفته نشده بود نقض نمود (صفایی، ۱۳۹۲).

قابل ذکر است که دادگاه‌های فرانسه به پذیرش مسؤولیت تضامنی در فرض ارتکاب تقصیر جمعی بسنده نکرده است بلکه در مواردی به استناد بند یک ماده ۱۳۸۴ قانون فرانسه (مسؤولیت ناشی از اشیای تحت حفاظت) از حفاظت جمعی سخن گفته و مسؤولیت تضامنی محافظین شیء را در فرضی که هویت عامل مستقیم زبان معلوم نبوده اعلام کرده‌اند (le Tourneau et al., 2006). کاربرد این مفهوم هم در مورد شکار و هم در مورد بازی، در برخی از آرای صادر شده از اواسط قرن بیستم به بعد دیده می‌شود. در واقع در این آرا وسیله شکار یا بازی تحت حفاظت جمعی به شمار آمده و از این رو مسؤولیت تضامنی شکارچیان یا بازیکنان نسبت به خسارت ناشی از عمل یکی از آنان پذیرفته شده است. توضیح

1- Faute collective.

2- Faute commun..

3- Garde collective.

4- Présomption de responsabilité.

5- Personnalite' juridique de fait.

ترجیح یافته است. از ملاک مواد قانون مجازات جدید و راهکارهای آن می‌توان در سایر موارد سبب مجمل در مسؤولیت مدنی نیز بهره‌مند شد (افشار و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس ذیلاً به بررسی تطبیقی نحوه جبران خسارت در مواردی که سبب مجمل است در حقوق ایران و فرانسه خواهیم پرداخت.

۳-۱- جبران خسارت ناشی از سبب مجمل در حقوق ایران
یکی از راه‌های قابل پیش‌بینی برای حل مسأله ذکر شده پرداخت خسارت از بودجه عمومی یا بیت‌المال می‌باشد که بعضی دلایل پایه‌های تئوری استفاده از آن را قوت می‌بخشد و در موارد متعددی در حقوق اسلامی پیش‌بینی شده است.

اولین مصداق جبران خسارت از بیت‌المال قتل بر اثر ازدحام است. چنان چه جسد شخصی در شارع عام پیدا شود و هیچ‌گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل، به شخص یا اشخاص در دست نباشد و یا در مورد کسی که در اثر ازدحام به قتل برسد و قرائن ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (خمینی، ۱۳۹۰). در این زمینه می‌توان از ملاک ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جانشین ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق شده است نیز استفاده کرد. در ماده ۲۵۵ این‌گونه تبیین شده بود: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود و یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد». در این مورد اداره حقوقی قوه قضاییه مصادیق مذکور در این ماده (کشته شدن در اثر ازدحام یا پیدا شدن مقتول در شارع عام) را تنها دو مصداق از مصادیق مختلف پرداخت دیه از بیت‌المال می‌دانست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲). در ذیل برخی از ادله‌ای که از نظر دکترین حقوق توجیه‌کننده جبران خسارت از سوی بیت‌المال در چنین مواردی بوده، بیان گردیده است که به نظر می‌رسد با لحاظ آنها بتوان در فرض ضرر ناشی از اسباب مجمل نیز، خسارت ایجاد شده را از بیت‌المال جبران کرد.

۳۱ دسامبر ۱۹۵۱ صندوق تضمین خسارات رانندگی برای جبران خسارات در مواردی که واردکننده زیان ناشناخته است ایجاد شد که اختیارات آن به‌موجب قانون ۱۱ ژوئن ۱۹۶۶ به حوادث ناشی از شکار گسترش یافت و نام صندوق به صندوق تضمین خسارات رانندگی و شکار تغییر یافت (صفایی، ۱۳۹۲). البته برخی از حقوق‌دانان فرانسوی بیان می‌دارند که گسترش موارد مسؤولیت دولت در فرض ناشناخته بودن عامل زیان، بار سنگینی بر دوش دولت و دارایی عمومی می‌گذارد که گمان نمی‌رود به مصلحت جامعه باشد (صفایی، ۱۳۹۲).

باوجود نظریات مختلفی که در زمینه مسؤولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب وجود دارد، همه سیستم‌های اروپایی در باب رابطه سببیت پذیرفته‌اند که رفتار موجب مسؤولیت مدنی باید به‌گونه‌ای باشد که اگر چنین رفتاری واقع نمی‌شد خسارتی پدید نمی‌آمد. به‌عنوان نمونه ماده ۳:۱۰۱ از اصول اروپایی مسؤولیت مدنی مقرر می‌دارد: «یک فعالیت یا رفتار، سبب خسارت متضرر محسوب می‌شود اگر در حالت فقدان آن فعالیت، خسارتی وارد نمی‌شد» (افشار و همکاران، ۱۳۹۳).

۳-۳ جبران خسارت در سبب مجمل

چنانکه مطرح شد موضوع سبب مجمل زمانی مطرح می‌شود که علم به ورود ضرر توسط یک عامل از بین چند عامل زیان موجود باشد، اما نتوان به‌صورت یقینی او را معین کرد. در این‌باره که حکم سبب مجمل چیست تحلیل‌ها و راهکارهای متفاوتی ارائه شده است. در ابتدا حقوقدانان با تأکید بر ضرورت اثبات رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار از سوی شخص معین و ورود ضرر به زیان‌دیده و عدم وجود چنین رابطه‌ای در فرض سبب مجمل، مسؤولیت را به‌کلی منتفی می‌دانستند. اما پس از مدتی، دیدگاه مسؤولیت جمعی عاملین محتمل مطرح شد که در فرانسه از نوع تضامنی و در حقوق کامن‌لا از نوع مسؤولیت متناسب بوده، جنبه اثباتی موضوع اهمیت به‌سزایی دارد. از نظر فقهی، یکی از دیدگاه‌های موجود قاعده قرعه است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مورد پذیرش قرار گرفت؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، دیدگاه فقهای معاصر مورد توجه و تصویب قرار گرفته و مسؤولیت مساوی عاملین محتمل

۱- ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد».

در فرضی که محتمل بود یکی از گروه شناگران او را غرق کرده باشند، برعهده شناگران همراهش قرار داد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷).

بر این اساس راهحلی که قانونگذار بیان کرده، در زمینه خسارت‌های بدنی است، چنانکه عبارت بیشتر فقیهان نیز مؤید نتیجه مذکور است، چنانکه به پرداخت خسارت از بیت‌المال باوجود شرایط خاص، در ذیل مبحث خسارت بدنی (دیه) اشاره کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۰؛ کلیدری، ۱۴۱۶). بنابر آنچه مطرح گردید این معنا وضوح می‌یابد که جبران خسارت از بیت‌المال راهحل عادلانه‌ای در جبران ضرر زیان‌دیده در بحث سبب مجمل نمی‌باشد. لذا در این صورت باید روش‌های دیگری را بررسی نمود، که از جمله آن می‌توان به راهکار توزیع و تقسیم خسارت بین افراد محصور و مشخص برای توجیه نظر خود به‌قاعده عدل و انصاف اشاره نمود. در مورد چگونگی اعمال قاعده مزبور این‌گونه بیان می‌گردد که عدل و انصاف یکی از قواعدی است که در فقه مطرح بوده است و فقها در ابواب مختلف بر مبنای آن اظهار نظر نموده‌اند. معنای قاعده عدل و انصاف «توزیع اموال و به‌طورکلی حقوق مشتبّه به‌نحو منصفه بین مدعیان است، در حالتی که اماره‌ای برای تعیین صاحب واقعی حق وجود نداشته باشد. در حقیقت جمع حقوق مقتضی این قاعده است، چون دادن حق به یکی از طرفین ترجیح بلامرجح بوده و رها کردن هر دو نیز موجب هدر رفتن حقوق است پس مقتضی، جمع بین طرفین شبهه است که همان تنصیف می‌باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

درزمینه اثبات این قاعده باید گفت؛ بدیهی‌ترین موضوعی که حسن عقلی دارد، عدالت و انصاف است. همان‌گونه که بدیهی‌ترین موضوعی که بنابر حکم عقل قبیح است و مذمت می‌شود، ظلم و جور است. علاوه بر این می‌توان وجوب عدل و انصاف را از سیره عقلانیه یا بنای عقلا نیز ثابت کرد؛ زیرا عقلای عالم عدل و انصاف را تحسین و ظلم و ستم را مذمت می‌کنند و این سیره مورد تأیید شارع قرار گرفته است (سیفی مازندرانی، ۱۳۸۳). در آیات فراوانی (الحجرات / ۹؛ المائده / ۴۲؛ النحل / ۹۰؛ النسا / ۵۸) نیز از عموم مکلفان خواسته شده است که عدل و انصاف را پایه کار و عمل خود قرار دهند و

الف) قصور حکومت در ایجاد نظم: به نظر می‌رسد نوعی قصور از ناحیه حکومت در این‌گونه موارد مشاهده می‌شود، زیرا وظیفه حکومت برقراری و حفظ نظم در جامعه و نیز پیدا کردن عامل ورود خسارات است، حال اگر دولت با انجام ندادن این تکلیف، سبب ورود خسارت‌هایی به شهروندان شود، حکومت موظف به جبران است (عوض‌ادریس، ۱۳۷۲).

ب) مطابقت باقاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»؛ یعنی هر کس نفعی برای اوست، خسارت هم بر عهده او است. توضیح اینکه طبق قاعده «لامام وارث من لا وارث له» در مصداق ارث فرد بدون وارث، عموم فقها بر آنند که این میراث به بیت‌المال منتقل می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷). لذا می‌توان گفت در مواردی که سبب جنایت و قتل مجمل است، به دلیل عدم شناسایی مسؤؤل، جبران خسارت می‌شود.

ج) با این شیوه درواقع به‌صورت غیرمستقیم شهروندان مسؤؤل جبران خسارت محسوب می‌گردند، به این صورت که مجنی‌علیه، قربانی جامعه جرم‌زاست و تمامی شهروندان، مسؤؤل انحراف‌های موجود در جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند (جعفری یزدیان، ۱۳۸۵). این نظریه به نظر منصفانه اما راهکاری قابل تعمیم و تجویز به همه موارد نیست.

به نظر می‌رسد پرداخت دیه و خسارت از بیت‌المال امری استثنائی بوده فلذا به‌کار گرفتن امر استثنائی نیازمند صراحت است و باید گفت این نظر نیز با انتقاد روبه‌رو شده است. از این‌رو گسترش موارد مذکور به خسارت‌های مادی، بار سنگینی بر دوش دولت و دارایی عمومی می‌گذارد و در نتیجه سبب توقف حیات اقتصادی می‌شود که به مصلحت جامعه نمی‌باشد (یزدانیان، ۱۳۸۶). برخی از فقها بر این باورند که حتی در موارد مصرح نیز پرداخت دیه همیشه از بیت‌المال صورت نمی‌گیرد و پرداخت دیه از بیت‌المال را مختص موردی می‌دانند که امکان پرداخت دیه از هیچ طریق دیگری فراهم نباشد. این دسته از فقها اصل را به عدم مسؤولیت بیت‌المال می‌دانند و در تأیید نظر خود، به روایتی استناد می‌کنند که به‌موجب آن امام (ره) دیه شخص غریق در آب را

به آن عمل کنند باوجوداین، روایات دلایل خاص و ویژه‌ای به‌شمار می‌روند که بسیاری فقها از آنها استفاده کرده‌اند و این قاعده را از قواعد کلی فقهی دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۵۳).

ازجمله این روایات صحیحه عبدالله بن مغیره از امام صادق (ع) درباره دو مرد است که بر سر دو درهم باهم اختلاف داشتند، یکی از آنها می‌گفت دو درهم به من تعلق دارد و دیگری می‌گفت که این دو درهم مال هر دو است. حضرت فرمودند: «کسی که می‌گوید دو درهم برای هر دو است، اقرار کرده است که یک درهم برای او نیست، یک درهم باقی‌مانده هم بین آن دو تقسیم می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹) که با مبانی فوق بهترین راه و منصفانه‌ترین ممکن که عدل و انصاف را به بهترین نحو اجرا می‌کند راه حل فوق‌الذکر است.

۳-۲- جبران خسارت ناشی از سبب مجمل در حقوق فرانسه
در قانون مسؤولیت مدنی فرانسه، شرکت داشتن در گروهی که خطا توسط یکی از افراد آن گروه رخ داده در حکم ارتکاب تقصیر مشترک دانسته شده است و همانند جایی که چند نفر، به‌طور مشترک، تقصیری را مرتکب می‌شوند، در این مسأله نیز تمام اعضای گروه را مسؤول می‌شمرد، زیرا عمل آنها محیط خطرناکی را فراهم آورده است. این نظر یادآور نظریه ریسک (ایجاد خطر) درباره مبنای مسؤولیت مدنی است که البته به‌طور مطلق پذیرفته نشده است (Viney, 1998).
به‌علاوه، پذیرش این پاسخ از آنجایی مشکل است که - دست‌کم - در پاره‌ای از مثال‌ها، خود عمل ارتكابی توسط اشخاص، مباح بوده است و به همین دلیل نمی‌توان آنها را مقصر قلمداد کرد.

در حقوق فرانسه بیشتر تحولات به‌منظور گسترش قلمرو مسؤولیت نوعی، تسهیل طرق اثبات ادعا و احراز ارکان و عناصر مسؤولیت و همچنین یافتن شیوه‌های آسان و سریع جبران خسارت وارده به زیان دیدگان ناشی از سبب مجمل از طریق گسترش بیمه‌های مسؤولیت و تأسیس صندوق‌های خاص مربوط به ترمیم زیان‌های ناشی از حوادث صورت گرفته است.

بر این مبنا هنگامی که تقصیر شخص به‌هیچ‌روی قادر به اثبات نیست تنها می‌توان به تعهداتی که به نفع او توسط سازمان‌های تأمین اجتماعی ارائه می‌شود استناد کرد (حقوق تأمین اجتماعی، قانون مستمری و ...) و یا این که به سراغ تعهدات قراردادی رفت (بیمه‌های خویش‌فرما) (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹). با وجود این، در این کشور برای برخی از اقسام زیان، قانون به‌طور خاص راهکاری را پیش‌بینی کرده است که به نحو محدود، هنگامی که فاعل زیان ناشناس است برای جبران خسارت، وارد عمل می‌شود. قانون بیمه شامل تضمین جبران خسارت زیان‌دیده تصادفات جاده‌ای می‌شود که مسؤول حادثه‌اش مشخص نیست (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹). این راهکار به‌موجب قانون ۱۱ ژوئن ۱۹۶۶ نسبت به حوادث ناشی از شکار نیز تسری یافت (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹). قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۶۸ مبنای جبران خسارتی را ایجاد کرد که درخصوص خسارات وارد به محصولات توسط گراز یا حیوانات شکاری بزرگ به زیان دیدگان اجازه می‌دهد که جبران خسارت را بدون تعیین مسؤول ورود زیان بخواهند (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹). در مسائل دیگر، قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۷ که بارها تغییر یافته است به هزینه دولت، جبران خسارت زیان دیدگان برخی تخلفاتی را که فاعل زیان آن شناسایی نشده را اجازه داده است و انگهی قانون ۹ دسامبر ۱۹۸۶ امکان جبران شایسته زیان، زیان دیدگان اعمال تروریستی را مقرر می‌کند (محسنی و مرادی‌نژاد، ۱۳۸۹) که صلاحیت آن نیز به زیان‌دیده‌های دیگر جرایم به‌موجب قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ گسترش یافته است. در پایان باید از قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ در حقوق این کشور سخن گفت که به نوعی مبنای جبران خسارت ناشی از کالاهای معیوب داشته و تحت تحولات حقوق فرانسه و فشارهای اعمال شده از سوی دیوان دادگستری اروپایی به تصویب رسید که موجب دگرگونی راه‌حل این قبیل کالاها شد. نگارش اولیه ماده ۷-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، با قبول راه‌حل ارائه‌شده توسط دیوان، مقرر می‌داشت که «هر فروشنده، موجد به‌استثناء موجد به تملیک یا هر موجد دیگری که در حکم فرد اخیر باشد، یا هر عرضه‌کننده حرفه‌ای دیگر، نسبت به عیب امنیتی کالا تحت همان شرایطی که تولیدکننده مسؤول است، مسؤول خواهد بود.»

اما در فقه هم عده‌ای بر این اعتقادند که باید به اصول عملیه تمسک جست، حال آنکه موضوع سبب مجمل با هیچ‌یک از مجاری اصول عملیه قابلیت انطباق ندارد از این جهت قوائد اصول عملیه در اینجا قابل استفاده نیست و باید به قاعده قرعه تمسک جست. عده‌ای دیگر نیز قائل به قاعده تصیف مسؤولیت بین عاملین محتمل هستند، تا با تمسک به راه‌کار تقسیم مسؤولیت متساوی میان عاملین محتمل، زمینه‌ساز اجرای شایسته‌تر عدالت گردند.

با بررسی و تدقیق بعمل آمده در خصوص سبب مجمل پیشنهاداتی که به ذهن متبادر می‌گردد، ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد:

با توجه به نبود متن قانونی در خصوص سبب مجمل در مسؤولیت مدنی، تا زمان رفع خلأ قانونی می‌توان از وحدت ملاک سبب مجمل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مورد پرداخت دیه که نوعی جبران خسارت محسوب می‌شود استفاده نمود. با وضع ماده واحده‌ای و یا حتی اضافه نمودن تبصره‌ای به قانون مسؤولیت مدنی در خصوص وضعیت سبب مجمل در مسؤولیت مدنی تعیین تکلیف شود تا از تشتت آراء قضایی و در نتیجه ضایع شدن حقوق افراد جلوگیری شود.

ماده واحده و تبصره مذکور به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد: «در موارد علم اجمالی به ورود زیان در امور مدنی، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، اصل بر مسؤولیت همه اطراف علم اجمالی است و خلاف آن نیازمند دلیل و اثبات در محکمه می‌باشد. هرگاه (در صورت عدم توانایی اثبات مسؤول نبودن) همه اطراف علم اجمالی، ورود زیان و تقصیر را از جانب خود انکار نمایند زیان وارده به زیان دیده از میان اطراف علم اجمالی به نسبت مساوی دریافت می‌گردد.

تبصره: هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار اطراف علم اجمالی باشد، زیان دیده می‌تواند به هریک از اطراف علم اجمالی برای دریافت تمام خسارت مراجعه کند و مسؤولیت آنان تضامنی است.»

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت

شده است.

محکومیت فرانسه در ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ در دیوان دادگستری اروپایی منجر به تجدیدنظر در این قانون شد و قانون‌گذار فرانسوی، مسؤولیت فروشندگان را مقید به ناشناس بودن تولیدکننده (سبب اصلی) کرد. اما این راه‌حل نیز موجب محکومیت دوباره فرانسه در دیوان دادگستری اروپایی در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۰۶ گشت. این محکومیت‌های متناوب سبب شد تا ماده ۷-۱۳۸۶ به شکل امروزی خود درآید (Grynbaum, 2006). در حقیقت، می‌توان گفت این ماده محصول مقتضیات اقتصاد آزاد و تلاش برای ایجاد بازار مشترک رقابتی در اتحادیه اروپایی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

زمانی که سبب مجمل مطرح می‌شود در اصل وجود مسؤولیت و جبران ضرر و زیان حادثه هیچ‌شکی وجود ندارد. اما موضوع اختلاف در خصوص نحوه جبران خسارت حادث است. در راستای تبیین این مهم و برای اجرای هرچه بیشتر عدالت، از آنجایی که قانون و رویه قضایی واحدی در خصوص سبب مجمل در مسؤولیت مدنی وجود ندارد و این فقدان سبب سردرگمی، اتخاذ رویه‌ها و تصمیم‌های متفاوت و گاه متناقض در محاکم و به طبع آن ایجاد ناعدالتی می‌گردد، لذا علی‌رغم اختصاص راه‌کار جبران خسارت از طریق بیت‌المال و آن هم در موارد خاص، به نظر می‌رسد جبران خسارت حاصله از سبب مجمل از طریق تقسیم مسؤولیت به تساوی میان عاملین محتمل، عادلانه‌ترین و منطقی‌ترین راه‌کار موجود در نظام حقوقی ایران باشد که با اصول حقوقی و فقهی نیز سازگارتر است.

در قوانین جزایی ایران مصادیقی از سبب مجمل در مواد ۴۷۷ و ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشاهده می‌گردد که با وحدت ملاک حاصله از مواد قانونی ذکرشده می‌توان آن را به سبب مجمل در مسؤولیت مدنی نیز تعمیم داد. با مطالعه تطبیقی صورت گرفته در حقوق فرانسه نیز ملاحظه گردید که نظریه مسؤولیت تضامنی عاملین محتمل طرفداران بیشتری را با خود همراه کرده است.

- شهری، غلامرضا و جهرمی، سیروس (۱۳۷۳). نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری. تهران: انتشارات روزنامه رسمی.

- صادقی، محمدمهدی (۱۳۸۴). حقوق جزای اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص). چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.

- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). مسؤلیت مدنی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). الزامها و مسؤلیت مدنی بدون قرارداد. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). مسؤلیت مدنی (الزامهای خارج از قرارداد). جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لطفی، اسدالله (۱۳۸۵). ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه. چاپ چهارم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- محامد، علی (۱۳۸۵). «بررسی قاعده عدل و انصاف و آثار آن». پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۳۰: ۲۳۵ - ۲۷۰.

- محسنی، حسن و مرادی نژاد، رضا (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسؤلیت مدنی». فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۱): ۲۹۷-۳۱۶.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص. چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.

- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶). حقوق مدنی، قواعد عمومی مسؤلیت مدنی. جلد اول، تهران: نشر میزان.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، نفر اول به عنوان نویسنده اصلی و نفر دوم نیز به عنوان همکار عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- افشار قوچانی، زهره و حسینی، سید محمدباقر (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی مسؤلیت مدنی سبب مجمل». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی تطبیقی، ۱۸(۱): ۱-۲۲.

- بازگیر، یدالله (۱۳۷۸). قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور. چاپ اول، تهران: ققنوس.

- جعفری لنگرودی (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

- جعفری یزدیان، جعفر (۱۳۸۵). «معلوم نبودن مرتکب صدمات در منازعه و چگونگی جبران خسارت از زیان‌دیده آن». مجله نقد و حقوق، ۸: ۱۴۹-۱۶۲.

- حسینجانی، بهمن (۱۳۸۲). حقوق جزای اختصاصی (۱). چاپ اول، تهران: انتشارات نسل نیکان.

- زراعت، عباس (۱۳۸۹). «قاعده قرعه». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۱۰۱: ۹۷-۱۰۱.

ب. منابع عربی

- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد هجدهم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷). *الفقه*. چاپ هفتم، قم: دارالعلم.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. جلد نهم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی قم.
- کلیدری، قطب‌الدین محمد بن حسین (۱۴۱۶). *اصباح الشیعه بمصباح الشریعه*. جلد اول، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، چاپ دوم، قم: دارالکتب العلمیه.
- نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن (۱۳۶۵). *جوهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. جلد سی‌وششم، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ج. منابع انگلیسی

- Beauchamp, TL; Childress, J & Shaw, M (1999). *Principles of Biomedical Ethics*. 7th ed. Oxford: Oxford University Press.
- Brun P & Université Pierre Mendès France (1994). *Les présomptions dans le droit de la responsabilité civile*. Under the Supervision of Noël Dejean de la Bâtie, France: Université Pierre Mendès France.
- Grynbaum, L (2006). "Responsabilité du fait des produits défectueux: restriction de responsabilité pour les fournisseurs". *JCP G*, act. 185.
- Le Tourneau, P (2010). *Droit de la responsabilité et des contrats*. 8th ed., France: Dalloz.
- Viney, G & Jourdain, P (1998) *Traité de droit civil, sous la direction de Jacques Ghestin, Les conditions de la responsabilité*. 2nd ed., Paris: L.G.D.J.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۸). *مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الاسلامیه*. جلد اول، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ دوم، قم: دارالکتب العربی.
- طوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷). *الخلاص*. جلد چهارم، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عوض ادیس، احمد (۱۳۷۲). *دیه*. ترجمه علیرضا فیض، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت و فرهنگ ارشاد.